

خبر وادارشی شماره یک

«سوره استی ۱۵ بار یکبار»

سرست

۵

۱- مقدمه

۱۳

۲- برخی از مسائل ایستق...

۳۶

۳- گزارش اردشگری یک عا...

۲۹

۴- صفحات دو نفر سادگی

۴۱

۵- گزارش یک سند ایستی

۳۶

۶- گزارش یک تعقیب

۳۷

۷- یک تجربه ایستی

در سه دهه مبارک خلقهای سراسر جهان دولت پدیده‌ها و نابرابریهای درونی سیستم‌های
 اجتماعی را به اثبات رسانده است که ادیان باطنی و اراجاعید و در سرکوب و دستگیری نیروهای انقلابی
 در این جهان «سنگی» بیشتری از هر نشان دهند. همین دلیل امروز ما شاهد کارهای وسیعتر
 سیاسی - اجتماعی بین این کشورها هستیم. استراد «بهرمن» سیاسی در برخی از کشورهای
 اینجای یک نمونه از بازتاب این کارهای می باشد، ضمن اینکه در کشورهای با اصطلاح متعلق به
 جهان آزاد نیز به قدرت مثل امروز انقلاب و نیروهای مترقی محلی و خارجی تحت فشار
 کوب آمده اند. طرح واحد سیاسی برای تمام اروپا که در دست تهیه می باشد نیز از همین دیدگاه
 قابل بررسی است.

در سه دهه مبارک حاکمات و انصار گوانگوان خلق مبارک را اینکه سلاطین و اشرافهای گوانگوان
 سیاسی خود را و سلاطینهای مسلط پیشمار خود را میسر می آورند. سیاستی تازه می
 خلق می آید. اختراع می شود که رژیم بانی گری بیش از حد در صدور از بین بردن این مبارزات
 و همچنین شاه می بیند آنها برآید. اکنون رژیم برای از بین بردن عناصر پیشمار خود که اکثر نیروهای
 مادی و معنوی خود را بیع کرده است و در شرایط سختی حاضر است حتی برای از بین
 بردن یکی از این نیروها بهترین نیروی انسانی و مالی خود را از دست بدهد. ناشرین هم برای
 امروز به تنه و جیب و داخلی بیع هر جانبه نظامی - سیاسی - اندک و دیگری معنی در از بین بردن
 نیروی کردن نیروهای پیشمار خلق دارد، بلکه در خارج از مرزهای داخلی با اکثریت هر چه بیشتر

فعالیت‌های جاسوسی خود نیز این هدف را دنبال میکند. در سال‌های اخیر فعالیت عناصر سازمان امنیت در کشورهای خارج ابتداء تازه‌ای تصور گرفته است. اعضای فعالیت‌های جاسوسی عناصر سازمان در خیلی از کشورهای خارجی و شناخته شده و ناشی بعضی از این جاسوسان سازمان در انگیزه‌های و انگیزه‌های دیگری یکی از این جاسوسان از طرف نیروهای اطلاعاتی سازمان‌های استعماری و ... گوشه‌ای از این گوشه‌های در خلق سازمان برای هشی کردن و تقویت جینی در مقابل بخشی از نیروهای خلق و این برود پیش از آن است. دولت اعضای مکرر عوامل سازمان در مورد نیروهای خلق و دیگر هیچگونه بوده پوششی در مورد اینکه فعالیت‌های خود مردمی از طرف سازمان استقامت بریت، به این دلیل اخیراً خود بریم باز جاسوسان فعالیت جاسوسی در کشورهای خارج اعتراف نموده است.

و اینست که در بریم حاکم در ایران به کشورهای ایران با این که در طرف دیگر باز برده است میانه از اضافه در کشورهای فنی کشورها و ارجاعی منطقه در همکاری وسیعتر کشورها و ایران با این و ارجاعی با بریم جاسوسی - سکوتی ایران مؤید بر علت می‌گردد.

با توجه به این دو در اکثر مردمی برای هر یک از مفاد موضوع امنیت مسئله‌ای ایجاد کرده است. زیاده‌ای برای این بود و خواهد آورد و انزوی زیادی از ما خواهد گرفت و تازه معلوم است که مردم به هیچ‌یک از این‌ها سرایت ندارند. بنابراین در چنین شرایطی از سببیت اجتماع در پهنه جهان و شرایط خاصی که بریم حاکم بر شاه ایران برقرار است برای حفظ خود باید چهار کنیم؟ چگونه می‌توانیم با اتحاد بخودمان از درون به چنان استفاده می‌بریم که مقابل عناصر سازمان و بریم اجتماع همچون بایم؟ چگونه می‌توانیم

تقریبات پیراننده و فردی خودمان را به سطح یک برانگیختار داده و در حیطه آفتاب
پیشیم؟ این کار با وجود فعال و مستعدانه همه و فعالان جسم می‌گردد و رسیدن حقوق این رسالت
بهمه این جزوه است.

و اما! **تقریبان** اینتی خود را جمع بندی نموده و برای مانور سینه تیا در ج در این تشریح
سایر رفاقت‌هاست از آن استعاره نمایند. در این مورد رفاقت اولاً تقریبات خود را در کاغذها
۸۵ برایان بنویسید و تانیا بطور جداگانه بنویسید، نه اینکه همراه با تله و سائل که اثر تیکه
در نامه برای رفاقی مسئول خود می‌نویسید، یک تقریب اینتی را بنویزانی درج کنند.



۱۰۱) امروزه روابط رژیم فرانسه با رژیم شاه حاکم در سطحی عالی از همکاری برای دو جانبه قرار دارد
در واقع ارسال ۱۹۷۴ با سفر ت شاه ایران به فرانسه در این آستان هویدا و سپس ارسال با سفر ت
زیمبار در سن ایران و عقد گیری قراردادهای عظیم اقتصادی - اخاری مناسبات میان دو
کشور وارد فاز جدیدی از همکاری برای همه جانبه شده است. گسترش این همکاری برای دو جانبه
تا بدان حد رسیده که جدیداً از همکاری پلیس اینتی فرانسه با سازمان امنیت در سیستم
کنترل کامپیوتری جدید در داخل کشور نیز اخباری گوی می‌رسد. از این گذشته تله که
مشترک پلیس فرانسه - ساداک در اخراج چهار نفر از اعضا گفته راسیون و دستگیری در رفاقی
۱۰۲) - این صفت مربوط به فرانسه است و متانیکه این جزوه را برای سایر موارد آن
در کشورهای دیگری می‌نویسند. اخبار مربوط به فرانسه را بکنند و در غیر این صورت حتماً با ارسال
خود صورت نمایند. این ملاحظه را برای سایر مطالب در نظر داشته باشید.

در نبرد بگرازا اعضا و کمقدرانیون با تمام قوا واری یکی از جاسوسان رژیم دیکتاتور پلیس فرانسه
علیرغم عدم ارائه هیچگونه مدرکی دال بر اثبات اتهام، مورد دیگری از همکاری پلیس - امنیتی
در تخریب فرانسه و ایران می باشد.

دفا ایتال قوف در اینجا چه رنگ خطری را در کف نشان میدهد. میگرد؟ این دوا در ما
را این نتیجه می رساند که امروزه باقی در دور مسائل امنیتی بیش از هر زمان دیگری هوشتار
باشیم و بیوسته هوشتارهای انقلابی خود را ارتقاء دهیم. در زمینه مسائل امنیتی شناختنای ما
باقی بیش از اندازه حساسیت بفرج داده و بلافاصله در امور امنیتی را سرعت می و درنگ
ناید.



برخی از مسائل ایستنی نرانه

الف. در مورد خانه

۱- در اینجا لازمست که آدرس منزل یا محلی که برای آدرس ده نظر گرفته است (در سن محکم و مانع کننده باشد) برای اقامت در خانه در صورتیکه بیش از سه ماه دخول ایجاد، احتیاج به ترمیم کارات اقامت است.

• روی کارت اقامت آدرس

ارزاشته میشود در صورتیکه آدرس محض شود، باید به بلین اطلاع داده شود. بلین آدرس جدید را روی کارت می نویسد، بنابراین در صورتیکه کارت اقامت دارید، باید در خودرو یا بلین اقامت خود را نیز از سه ماه گوییم و محل تحمل زندگی سرانیت برای استفاده از این حرف و دهان و همچنین باید در دفتر است که ساختهای یا باید به عنوان اسرار بار را که شماره، ادینکته در خارج هم گفته و می کنند. این اسرار به ترتیب ساکنین. اما همان از حد می گشته و می برخیزد دست اخراج میدهد و از این روایت هر اقامت شده (از مدت اقامت) برای اینها مانع کننده باشد. بر روی دیده شده است که سراید را چهار تردد در آن به منزل یک هوش و نقاشی زایا در جرح دادند و وقتی باه یانم و بلین پول آنرا داده شده به آنها و بحیثیت بخرج برده اند. الله بار مقام است می شدند.

برخی از مسائل استثنائی در خانه

الف. در مورد خانه

۱- در اینجا لازمست که آدرس منزل یا محلی که برای آدرس در نظر گرفته است، روشن، محکم و مانع گشته باشد. برای اقامت در خانه در صورتیکه پیش از سه ماه قبلاً اقامت، احتیاج به گرفتن کارت اقامت است. ~~در صورتیکه در صورتیکه در صورتیکه~~

• روی کارت اقامت آدرس

در نوشته میشود و در صورتیکه آدرس عوض شود، باید به پایش اطلاع داده شود. پایش آدرس جدید را روی کارت می نویسد. بنابراین در صورتیکه کارت اقامت نداریم، باید در هر روز یا پایش اقامت خود را نزد آن سه ماه بگوئیم و محلی که محل زندگی منرا بابت کار می باشد که با آنجا حرف بزنیم.

همچنین باید در نظر داشت که ساختمانهای پارکینگ و همگی گنجان یا سایر اماکن را در آن خانه از آنست که در طبقه همکف زندگی می کنند. این افراد کمتر به ساکنین ساختمان توجه می کنند ولی برخیشان دست اخراج میدهند از اینرو بابت محل اقامت شده (تلاش است اقامت) برای اینها مانع گشته باشد. در آردی دیده شده است که سراید را از تردد زار به منزل یکبار هودت و رفقا حاشیت زار یا اخراج دارند و وقتی صاحبان به پایش پول بآنها داده شده نه تنها دیگر حاشیت اخراج نمیدانند بلکه بار تعداد دست می میدهند.

۲- پایش خزانۀ گاهگاه نفوس مایه را کنترل نمائید (تأسیس خدین بار مضبوطات خزانۀ
 به این امر اعتراض کرده اند) بدین جهت نباید از نفوس منزل با استیفاء نیز، ما اعمار، عناصر سر-
 شناس خارج یا عناصر سیاسی خارج در ارضای اعطاء به های دانشجوئی قیاس گرفت.
 در وقتی می خواهیم قرار بگذاریم که
 دستخطات قرار را بطور کامل بگیریم، مثلاً محل قرار را بتوان از قبل مشخص کرد و دستخطات نفوس
 نسبت آبرائیت با محل قرار بدون گفتن نام بزنی میماند.

۳- وقتی می خواهیم نامه ای بپوشانیم، مخصوصاً اگر برای کشور های عربی باشد
 از دوستی که نزدیک محل اقامت ما است، یا از دوستی که بستنی نزدیک، باید استعاضا کنیم.
 چون اگر هر منطقه بستنی مشخص است و در این صورت بر خورد با نامه ها می شود و فهمیده که از
 کدام منطقه است، شده است.

۴- هر وقتی که از خانه ای بخواهیم دیگری رود همین در سر قرار در فضای خودمان نیز
 باید خود را تعقیب کند. هنگامی که از سر قرار یک مرد علمی به خانه بازی کردیم، هنگامیکه به کتاب
 مرد شومانی که کتبه اندکی ایرانی می فرستاد میزدیم، هنگامیکه از شرکت در یک جلسه سیاسی
 ایرانی بازی کردیم، یا به محل های دانشجوئی که محل تجمع دانشجویان ایرانی است رفته ایم.
 در همه این حالات باید قبل از بازگشت به خانه یا رفتن به سر قرار یک رفیق دیگر در حق جدی
 خود را تعقیب نمایم.

۵- رفت و آمد به خانه باید تابع نظم باشد. هر وقتی هنگام خروج از خانه ساعت
 برگشت خود را تعیین نماید و این ساعت باید رعایت شود و اگر کسی که از خانه بیرون
 است و در آنجا میماند، باید در آنجا بماند و اگر کسی که از خانه بیرون است و در آنجا میماند، باید در آنجا بماند.

کتابخانه باید از طرف رختای هم خانه بزرگتر شود. و فضای هر خانه باید با فضای حیوان
 جدا گردد و از آن تأمین بین خود تعیین نماید (مثلاً در ساخت بین از پایان سقف تفرج) در صورتی که
 یکبار بین بین در این مدت هم بجا نرسد به یک خانه باید جاده را از درگاه هم خانه گسترده ببرد آن (*)
 همچنین رختای هر خانه باید اهم تر از آنست برای تعیین مواضعی داشته باشند و از این طریق ارتباط
 جدید خود را برقرار سازند. و در این حال همه رختای آدرس بی را حفظ باشند که در صورت
 قطع ارتباط با آنها مطابق کرده تا تماس وصل شود.

۶- در خانه باید همیشه کتابها و مدارک، تنظیم و مرتب بماند و مدارک مهم در جای
 مشخص باشند تا در موقعی که ضرورتی پیش می آید، به دسترس بتوان آنها را تحویل کرد و در وقت
 آب کتاب یا کاغذ یا ... سرگردان نشود. همچنین کارهای بود و مدارک دیگری (مثل بلیت
 احوالی و ...) را باید در جاسازی نگهداری کرد. در رشته های کامپیوتری مثل مشخصات یک فرد
 آدرسها و اسرار شخصی را باید در جای مشخصی جاسازی باشند و یا با رمز نوشته و نگهداری کنند.

۷- اگر خانه ای از قرضه وضع امنیتی است، کتابخانه ای نیست، (مثلاً صاحبخانه بیا
 مستخدم یا مسئول نگهداری می گذارد) یا از طرف رختای مشخصاتی سرورده می آید و مدارک مهم یا
 همیشه هم مشخصاتی از قبیل دستورات داخلی و ... را نگهداری کند.

۸- اگر مدارک سرورده ای که در خانه جمع شود، نمیتوان سرورده امنیتی، بر

(*) ۱- البته وقتی رفتی یک خانه نمی دانی که برای مراجع دستگیری لویدید، اگر رختای هم
 نمی دانی ۲- تعلیم متزلزل نمی نیستند در صورتیکه دستگیری رفتی زیاد طول نکشد و سائل دیگری
 که باعث لو رفتن منزل می باشد، پیش نیامده باشد، مانند همراه بردن آدرس یا شماره تلفن
 منزل می دانی. آن رفتن نیز حتماً باید در منزل متزلزل نمی چیزی که حتماً به جز در منزل
 از شیوه اسناد سازمان پیشکار نیز راه ارادی طبقه کارگر

در نظر گرفته و در توالی و ریخت در این مورد نیز اگر محدودیتی وجود داشت بابتی مخرجیدانه‌ی جمع نمود آنها را بدون بروز در سانسیتی دورتر از خانه داخل سطل آشغالی گذاشت و اگر بود تا دستگیران آنرا داخل ماشین آشغالی خود انداخته و بگذاردند.

ب - قرار

برای اینکه فرد عمل‌های مناسب و نامناسب برای قرار را بشناسد باید آشناسی محصری یافته و تمرین داشته و یک شای کلی از شهر در دست داشته و در مورد محل قرار باید به حین‌نگاه توجه کرد:

۱- محل قرار باید در جاهایی باشد که پلیس به آنها حساس است. این محل‌ها عبارتند از: حوالی سواره‌خانه‌ها، بانک، شرکت‌های اسرائیلی، شرکت‌های سینمایی، ساختمانهای بزرگ، اینستگاههای راهنمایی، ساختمانهای دولتی، موسسات، سازمانهای چریکی و... سواره‌خانه‌ها بیشتر در ناحیه پاریس متمرکز است، تیراندازی هواپیمایی در اطراف OPENA هسته و بسیاری از آنها نیز همین جاذبه‌گرایی باشند.

۲- یکی دیگر از اماکنی که پلیس نسبت به آن حساس است، خیابان بیگل (یعنی استگاه‌های متروی PL. elichy - الاستیگاه CHAPelle، روی خط NATION) است.

۳- اینستگاه محل تجمع همشاه، اربابان است و معمولاً آن اجناس قاچاق و مخدرات، فروخته می‌شود، پلیس آنرا کنترل می‌کند و حتی امکان کنترل دسته‌جمعی توسط پلیس در این منطقه‌های آن وجود دارد.

۲- محل قرار: در مکانی اجتماع ارباب باستاند و مقام دولت و آئین این آئین باستان و سایر

وقت کافی نگاربر (د. ابن فضل بن علی بن عبد الوارث)

مرکز دانشگاهی مخصوص سنیه (اوپر سنیه) و ستونهای دانشگاهی و انجمنی و انجمن
و احزاب آن آلبانی، فرانسه (کلاس فرانسه) و مرکز آموزش کتب فارسی و در ادامه های ایرانی
که همان سن پیش قرار دارند. در میان ستونهای دانشگاهی، یک ستون مفروضه
ستون علمیه در سن پیش وجود دارد که مرکز عمده ایرانیهای مسلمان است.

دور نامہ درستی ہائی کہ روزنامہ ایرانی میں فرہاد خاندان کے آزاد خیابان میں پتلی دانتی

(سن الیقین) بقروی اورکز امیورگ تا الیقین بقروی سن یقین)

REPUBLICUE و CHATELET قتل در قتلگاه دیرینوینا

شاید قرار گرفته است، رفقا سیرانند قمارهای فوری خود را استقامتهای بدون تقاطع و تدریج

فصل PASSY (پاسیون ETOILE) - گذاردند اما انگی زمان آری پشیر لزه خید دفعه
 که دهر مروجی مکرر کردند

لہذا ہم سرحدی علاقوں کو دیکھ

۳- کلید سائل مربوط به تصفیه برای حل و جدایه قرار داده شود که در مورد خانه

گفته شد باید بحاکمیت خود و دنیای توانمند خود، از انقیاد بایزود این مرد وحشی الهی

در این انجمن به ریویژ دیگر خادمه‌های یاسینی اورا نیز احقرم نامیده است. در این مورد قاضی می‌گوید که

مرور و تحقیق قرآن کریم و تفهیم در ایستای قلبیه برای هر سطح افکار و بسود

۴- از چهل گونه بیدهای جاری کتب سازسانی و مدارک در دستهای متوفیان
و در میان بنگاری که احتمال بازرس نیست هت خودداری ستر و بطور کلی از ساعت ده شب
بعد در صورت پیش نیامدن فی کار خرق العاده از وقت در ستر خودداری کرد.

۱ - رعنا با اطلاع و موافقت سال به حامل سیاسی (سن میثیق ماه نظامنامه)

حیات و... که از سوی کتف راسیون برگزار شود (و نه)

۲ - در مورد یادداشت کردی (در صورتی که یادداشت کردی) و آن واقعه ضروری باشد (باید بر روی یادداشت کرد خطی در شماره تلفن را بهتر است به فارسی بنویسیم تا احیا شود صورت وجود یا نیستی) هرگاه بطور اتفاقی و سطحی نتواند کنترل بکند، متوجه شده و وقت خرج ندهد (اگر پس نداشته باشد کنترل بکند) و زیاد شکوک باشد، وقتی شماره فارسی را بنویسد احتمالاً متوجه می شود که چیست و

سازد. تر از آن می رود و همین طور به همین آشنایی که در گذشته بود (که به نام تلفن دوم در ایران است) و... اما اگر شماره فرانسوی داشته باشد، بگو ای پلیس آشنا تر خواهد بود و شکست بیشتر وقت کند. البته به حال باید بر روی دستم شد (اما)

۳ - هر سق باید از سر آبی را داشته باشد (در صورت پیش آمدن هر اتفاق انشیتی) (در رابطه با سال سیاسی) با وکیل نام بگیرد.

۴ - رعنا به اجبار به مقامی در درباری مثل کتابخانه های محل فروشی نر آید و حیات نا انجری و... سر می زند بایستی در رعایت مثل تعقیب و مراقبت مشیت احساس مسئولیت نماید. قبل از ورود این اماکن و بعد از خروج از آن خود را چک کند و با هر گونه غوغا شکوک و خود خدی عمل آورده، مثلاً در سامانی به کتابخانه سرزد که در آن کتابخانه متوجه می شود که در صورتی که امکان از هر

زمان دیگری خدمت تر باشد - و یا با شورت صاحب کتابخانه و توجیه او کتابها را در صورت
 امکان از در خصوصی - دردی که محل رفت و آمد عمومی نباشد - به کتابخانه برود -
 ضمناً بطور کلی در برکتی به بعضی از اعضا که برادرانه برای ما همیشه اجباری دارد و باید
 تغییر میانه داد -

۴ - بیت

قبل از ورود به بیتخانه و بعد از خروج از آن باید خودمان را چک کنیم. آدرس
 یی ما باید هر چند ماه در میان عوض شود. اگر عونه مشکلی در بر شد باید بلافاصله
 آدرس یی را عوض کرد. در نقطه با هر مرق باید یک آدرس برگشتی جداگانه داشته باشیم.
 بنابراین اگر باشد رفق به آدرسهای یی جداگانه نقطه داریم باید از سه آدرس برگشتی نیز
 استناد کنیم. اگر هنگام مراجعه به آدرس یی چند کارت شناسایی مختلف همراهان است
 باستی قبل از ورود به بیتخانه مورد نظر تمام کارهای شناسایی دیگر را در بین یا کتاب
 یا کیف و ... جاسازی کنیم فقط کات همان آدرس یی هنگام مراجعه در دست
 رسان باشد. هنگام ارسال نامه یا مکتوبات از بیتخانه نیز یک مکتوب استناد شود.

۶ - ارسال و مراسلات

در ارسال و مراسلات خود از علامت اطمینان استناد کنیم تا اگر ارسال مال
 از سه راه حرکت به مقصد مورد باررسی قرار گرفته متوجه شویم. مثلاً روی پاکت
 به علامتی بپردازیم که در صورت بار کردن نامه به سه عوامل استناد متوجه می گردیم.

در مقام کلمات خود برای نامیدن بعضی از اسامی ساده نام کشور، شهر، قریه، قریه
 قریه، محل علامت، و غیره و سبب اختراع قریه، انواع اسلحه و سایر اشیاء و ... از
 کلمات مراد شده نمایند. البته در قریه بدون هیچ کلمات رمز آن شکل ظاهری نامه
 در حالت غیر عادی خارج شده باشد تا برای نامری نوشتن شود. مثلاً اگر ما بخواهیم قریه
 برای مصطفی از سید علی بن ملاحطایه صادر قرار در نظر داریم از حالت یک قریه عادی
 خارج نیست) و یا چند علامت رمز استفاده کنیم که شکل ظاهری نامه انقضی
 نماید، یا بی هیچ علامت رمز بصورت نامری نوشتن برای نامری نوشتن یک نامه
 یهودی نویسیم و درین خطوط این نامه شامل خودمان را می بینیم و نامری نویسیم. برای
 اشیا و میتوان از فنون نامری و ... استفاده کرده و مقصد نیز
 اگر روی خطوط رمز یک مایع رقیق شود سوزان در یکسره ابروی نامری نوشتن نامه
 نامری بصورت نامری در آید و قابل خواندن میشود، فنون نامری و میتوان در جدولین
 ریخت و یا نام نوشت و یا به دست آورد به سبب آب میو یا آرد و یا آب یا از نامه
 یا خود نویسنده و در این صورت مقصد باید آنرا به وسیله افراریت داده تا نوشته ها
 نمایان شود میتوان بجای استفاده از آرد نامه را با آرد ریختن در آب نامری نوشتن
 نمایان گردد. و قریه بین خود نویسنده رمز تعیین گشته که نامه نمایان نویسنده شود
 نمایان (فرع اول) ظاهر گیر در بار اثر حرارت (فرع دوم)

- ۷ - در مقامی که از اسامی برای جعلی استفاده نمایند اسم و مشخصات خود
 را مطابق مایه یا بصورت با نظر مسئول در اختیار رقیق دیگری بگذارند تا اگر برای
 آنها اسامی ایجاد شده باشد این اسم و مشخصات آنها جدا بوده است
- ۸ - وقتی از منزل خارج میشویم بر روی هم خانه خود بنویسیم که برای چه میرویم

برویم و اینجا برویم اگر نمانیم برای رفیق صفا بنام این اهدای اینجاست
 میتوان رهای مسئول را به جویان نگار و ز سره خود قوار داد.

*

*

*

گزارش اردشیر برای قیام جاسوسان ساواک و خارج

در تیرماه چند سال گذشته بارها ساواک گرفته است بوسیله عناصر مزدور و بی وفای خاص با
 مقامات ناطقین وقت سرپوش باز طرح در ناطقین و مقامات رخنه کند و از کم و کیف خاص
 سازمانهای ایرانی با مقامات سرور بیادرد. تاکنون ۴ هزار و سیصد و شصت و شش نفر در این
 سازمانهاست و در این میان تعدادی از غیر متنفذین و عناصر اجانب رد داد. مثلاً کارکنان برای این دو که
 موضوع آن افراد را با سازمانهای دیگری در حقیقت چیده ملی که حضور داشته است (شماره
 ای کرده و اگر آن افراد در تالیفات و تاریخ نگارانه اند. جواب رد داده شده است. در موارد خود
 ساواکها با این بفروردشان با فتح چون حوا را پس میدیدند میگذاشتند و میزدند و در موارد دیگر
 نام و شهرات و احیاناً آدمی آنها را اختیار با قرا می گرفت تا تعقیب کنیم. یکبار در نزد حاجیه
 که نام نام یکی از آنان منطبق با نامی بود که از داخل خبر داده بود، نزد کاتبی است که برای تعقیب
 خبر را از او با خارج آمده است. آنروز فقط یکبار به دستور او این خارجی فتح مراجع کرده بود و نام
 آنها از روی پاسپورت آن نوشته شده بود اما آدمی (حق) خود را عوضی داده بودند و وقتی
 مراجع کردیم خیال کسانی در آن ملک نبودند. در زیر یکی از این عناصر رانده پیش از همه توانسته
 بود رخنه کند میاوریم.

در اواخر سال ۷۲ یکی از دانشجویان فلسفی در بیروت که برای شناخت گفته که
 دانشجوی ایرانی از اتریش آمده و میخواهد به مقامات پیوندد. او از طرف اتحادیه دانش
 جویان فلسفی در اینسبروک (اتریش) نامه ای برای اتحادیه دانشجویان فلسفی در بیروت
 اوشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

دارد که امر امری کرده و خواسته‌ایک به این بارز ایرانی شده است. قرار شده اطلاعاتی از آن
خود بدین آنکه خود او بجز برای ما آورده نشود. معلوم شد بر حسب پاسپورت مشخصات
او چنین است:

محمد حسین رضا افغانی، اهل یزد متولد ۱۳۴۷ در حبس ادعای خود را
این بزرگ (اخریش) دانشجوی فیزیک بوده و سه سال است در خارج زندگی می‌کند و
عضو کنفرانسین است. دو سال مبارزی را در تظاهراتی فرعون گذرانده است.
نامه اتحادیه دانشجویان فلسطینی در ارتش خطاب به دانشجویان فلسطینی در بیروت را هم
برای ما آورده که هنوز پیش ما است.

ما در همان اول آن دانشجوی فلسطینی و در فقی و گورش راحت داریم که نتایج
او را در آن چنین اندازیم با احتیاط برخورد کنیم اما نه بی طرف و بی ادبی آن رفقای فلسطینی
که گول شعارهای بی‌فایده فلسطین او را خورده بودند و خوری بود که هیچ‌یک او را در کنار خود نگذاشتند
همان زمان به دفتر روابط خارجی این موزه روح راحت داریم که گفتند ما او را حبس کرده ایم. اما
و مدتی او در خانه یک دانشجوی فلسطینی بنام سعید الله بدوان زندگی میکرد و این طرف و آن طرف
سری زد. ما خود را عضو فعال کنفرانسین معرفی نکردیم و او وقتی در اردن بود و بنابه دستور
سازاک نام بر حبس سالی در زندانی نرسید دار آنها میخواست که او را برای بدین به قتل
فلسطین راهنمایی کنند. ما سانی با و نامه ای می‌نوید که تا اگر میخواهید برای قتل کار کنید
بوتیان پول جمع کنید و شریات بخش کنید آنها احتیاجی علاوه بر اسلحه کسی ندارد با آنها
پسنگه. ما را ندانستیم که در منزل. طرف این نامه آرمه و در حبس خورده را با خود

داشتند و با این و آن نشان میداد که رئیس جبهه ملی ایران با این مطایبه دارد و زلفای عربی که هزار
اصل قصیده دینی آورده اند و خنجرهای او را میگردد مانند که او با طرف آدم درستی است.

طرف می باشند نوکس داشت و میگفت در "دانشگاه لبنان" (یعنی اردن) نگاه می می
بپردت است) در این میخواند اظهار داشته که مخارج او از طریق مادرش که مدتی یک مدرسه عادی
در تهران است تأمین می شود و بخاطر عضویت در کنگره راسیون مختار اند به ایران برگرداد بهر حال
ما با هم در استان ناصبی را هرگاه می بینیم می بینیم و در باره او عرضی نداریم و می بینیم که او را
دینی هم برای محکوم کردن او را می بینیم. تحقیق مادر در عضویت او در کنگره راسیون اثرش
او عای او را که عضو بود تأیید می کرد اما مادرش مشکوک بود. از جمله تماس هایی که داشت
(۱)

با دکتر مصطفی چوران بود که مدتی یک در ستان صنفی صنفی بدستگاه دومی صدر است. در
آنجا برخی آخرین های مبارز از جمله احمد نوری (که اتهام کوشش برای عزل پهلوی ایران در مدت
مقصود) - در اینان برندان است) و یکی از طلبه های طرفدار صنفی نظام اولی و یکی همش

بود. طرف با آخرین های سلای دوست بوده و با یکی از است. اما آنجا که تماس داشتیم بران

و طلبه ها را نیز مشاهده می کردیم. طرف گاه خود را عضو فتح جا می برد و از آنها می گفته که می تواند

کسانی را تعلیمات نظامی بدهد و غیره. - یکبار هم وی آنکه پیش جنبه تا از طلبی ها و در شهری

کرد و باستان از جمله نزد ما بین مدرسه را می برد و در طلبی ها می می برد و از او می پرسیم

می گفتند که می آید می رود. او هم برخی از طریق فتح و نیز به بیمارستان ملال احمد طلبی رفت و آمد

می کرد و با این و آن بعد از آن مبارز ایران یک می برد و در این کپسول ها و ارجانه خود را آدم می جا

نیز

نیکو به وضع طرف را با حصول اطلاعات و امنیت^(۱) منع که حکومت مرکزی است مطرح کردیم و او گفت که دستور تقییب او را خواهد داد. ولی از چندی شنیدیم که او را مقرر شده بر همان اوضاع باشد. او در خانه ای در محله رأس النخعی است. با دستگیری او خبری بدولت منبع را احتمال زیاد از طرف سفارت ایران در روزنامه ها در شتم شد که یک دانشجو ایرانی بنام رضا خانی برنده شده است. بعدها شنیدیم که او را به نیکال زندان محکوم کرده اند. متقابلاً شنیدیم که می خواهند او را آزاد کنند. وقتی پرسیدیم که چرا می خواهند او را آزاد کنند گفتند ما این بر حکومت او نداریم (۱). در واقع او را منع او را به پیش از نیکال در زندان مانده بوده چون اعتراضات سابقش را منکر شده بود و گفته بود که آن اعتراضات را وقت خوار ابراز داشته است قبول نموده بود است.

حدود یک ماه پیش در یک عاقل بار نقای منع (و منقرض امنیت و اطلاعات) معلوم شد که علیرغم حکم دادگاهشان از توبه بترسیدند. طرف را همچنان تهدید می کنند تا پس از پرسش از ما و نظر ما درباره او تقیم بگیرند. این اقدام آنها بدین دلیل بوده که ما بارها نگرانی خود را از آزاد شدن او و شردن کرده بودیم بهر حال پیرونده او را داد. شد اعتراضاتی خود را

پاورقی صفحه قبل:

۱ - دستگاه مرعی صدر و مخصوص هنرستان صنعتی (در شهر صوم) بار است دکتر حیرانی که خود از افراد نهضت آزادی و شناخته شده خارج است. آخرین جانی بوده که ساواک بدو اجازه میفرستاده است. به نظر که حتی این را نپذیرفتند. * به ما نزدیک بودند و خود را به جزای بازده بودند. با تهدیدهای ما و ما را آنها که بلیتشان جاسوس اسرائیل بود و آنها را ترک کردند و سوسی که در کارگاه نالیاسی هنرستان کار میکرد همچنان وجود دارد (نام او هم فرستاد و اصل کارشان).

* - رفیق وقتی میگوید «حقاً» بایستی زکات دعوت هائی که ادرا به حقیقت میسر ندارند بدهد تا برای خواننده قابل پذیرش باشد.

بدینیم، ترجمه اوراق تحقیق و بازرجویی را بعنوان یک تجربه و کیفیت برخورد در فضای ملیتی و
سئوالاتی که از طرف شده در زیر می آوریم:

چینش آزاد پیش ملی ملیتی

دست راست و اطلاعات
چینش بازرجویی

شماره ۱۱

در صورتی: مقام محمد حسن رضای

سازمان ایرانی

آخرین صورت جلسه بازرجویی بین مسئول بازرجویی ایران
با مقام محمد حسن رضای (که از روی نوار پیاپی شده است) (۱)

س - است ؟

ج - محمد حسن رضای

س - اصل کجا ؟

ج - ایران

س - تابعیت کجا ؟

ج - ایرانی

س - شغل ؟

ج - دانشجو

س - کجا ؟

ج - دانشگاه اصفهان

س - از کجا به لبنان آمدی ؟

ج - از اتریش

س - در اتریش چه کار میکردی ؟

ج - در اتریش درس میخواندم. مدت جواز سفرم پایان رسید آنرا به سفارت ایران بردم

(۱) - بازرجویی با ایجاد نمایانگری صورت یکدیگر و آزادی طبقه کارگر

که عقد بیکشنند و اگر نه پس از ۱۰ سال مراجعت شد و بعد بیکرانه که اگر آیه ای حکایت کنم خلاصه نام را از این
خواهند گشت. *

س - چه سالی برای تحصیل به آتریش رفتی؟

ج - سال ۱۹۷۰

س - باسپورت کی بدت تمام شد در آتریش؟

ج - سال ۷۱

س - وقتی از ایران خارج شدی بوسه داشتی یا به حجاب خودت میزدی؟

ج - به حجاب خودم

س - دبیرستان را کی تمام کردی؟

ج - دبیرستان را در سال ۱۹۶۵ تمام کردم.

س - بین سال ۶۵ تا ۷۰ وصل از سفر به آتریش چهار بیکردی؟

ج - در سال ۷۷ سه بار جراحی معده داشتم و تا سال ۷۰ استراحت میکردم

س - خدمت زینب بر چه کاری کردی؟

ج - همراه سربازی مرا خواندند، چون سربازی اجباری است، چهار ماه آموزش دیدم و تبعه اش معلوم بودم.

س - مدت باسپورت که تمام شد و وقتی به سفارت ایران در آتریش مراجعت کردی به تو چه گفتند؟

ج - یانه ای در آتریش، آلمان در مورد ایرانیها خود را که باسپورت راعه میدی گفتند مگر آنکه با
سفارت همکاری شود.

س - آیا این بداعنی است که باسپورت ایرانیها راعه باشی شرطی میدی که در هر مملکت
دریم باشند؟

پادشاهی از صفحه قبل:

* - لوجه علیا، عیسی راججوی یا، گرفته است؟ آیا به بلاد راکشده های عربی بوده؟

چهار بیکردی؟ گویا؟...

* - کاملاً مشخص است که طرف دارد دروغ میگوید. چون نه با این سازه و نه با این سبزه

تندیس، کس را مجبور به همکاری نمی کنند و آنکه نمی تواند از آن به طریقه کار کند
www.peykar.org

ج - خیر. اماں، سال ۷۱ فقط این قانون را گذرانده اند زیرا که فقدراسیون دانشجویان در ارتش و آلمان مخاف رژیم اند.

س - آیا باسجرت را متحدید کردند؟ و چرا؟

ج - ۵ ماه متحد نکردند، بعد به سفارت رفتیم گفتند اگر نخواهی متحد کنیم باید با ما همکاری کنی و سراجتت را بدهی.

س - مجلس اهل توجه بود؟

ج - عین دستور دارند که به گفتدراسیون دانشجویان وارد شویم و اطلاعاتی را در آستان به سفارت بدهیم و منبع سفارت خبرهایی کنیم.

س - اینرا قبول کردی؟

ج - آری، از ترس تهدید نشان

س - چه کسی در سفارت ایران اینرا از تو خواست؟

ج - یل سرخس *

س - در چه اوجیبیت؟

ج - سرخس است.

س - سرخس ارتش؟

ج - خیر، کارش در سفارت است. مسئول سداک در سفارت ایران در ارتش است.

س - قبول کردی که با او همکاری کنی؟

ج - آری.

س - در گفتدراسیون وارد شدی؟

ج - آری.

* - باز خواهم دید که در مقامات ~~چند~~ این جزو را در میآورد و این سبزه را میبرد تمام افراد سوادانی که منم معرفی میکرد می بایستی در پیش میرفت و اگر او فکر کرد و رعای تنظیم کنند که اگر این می بایست حتما انجام میدادند نه اینکه سرسری از آن بگذرند. ضمناً حدیثی که در تلوینت آمده نشان میدهد شخصی بنام مهدی طهرانی که جاسوسان حرفه ای سوادک است.

س - عضو شدی ؟

ج - آری *

س - نفعی نه ؟ (ترانسخه؟)

ج - خیر

س - خوب ، بعد با سپهرت راجعید کرد ؟

ج - در سال ۸۷۲ دستور داده که به بیان پیام و باسازمانها با مطبعتی کار کنم و چو کتابی ایرانی را بنامم و غیره .

س - در مورد تصادف دانشجویان ایرانی در ترکیه ، مگر نمی از تو چه چیزهایی را احوالست ؟

ج - هر کسی که در آنقدر رسیدن کار می کند و هر کسی که به حزب کمونیست ایران دایمه است .

س - از صحبت میزد که در سال ۷۱ با شما رسماً مورد شدی در سال ۷۲ گفتند به

اینان میزد و در عرض این یک سال چه اطلاعاتی را به آنان دادی ؟

ج - در مورد تصادف دانشجویان ایرانی و اطلاعاتی به آنان دادم .

س - سگونی ؟ چه اسمهایی ؟

ج - اسمی دانشجویان ایرانی ، اعضا کسبه اجرائی مثل الفت نجفی (۱)

س - او الان کجاست ؟

ج - به ایران رفت و خود را تعلیم کرد .

س - دگلی چه کسی ؟

(۱) - این شخص که خود را زودت ، مقالات سعیدی در کتاب هدایت علیه فعالیت
ایزیدین در خارج کشور در دست . *

ج - بسیاری از دانشجویان ایرانی *

س - آیا اطلاعات کاملی از فعالیت دانشجویان ایرانی و اسامی آنها به شما دست داده ؟

ج - آری *

س - آیا بگوید چه می‌دانند ؟

ج - فقط پول سفر و مخارج را می‌دانند. هزار شلینگ استرلینگ در ماه

س - دانشجویان ترانها خسته ؟

ج - نه ، نه خسته .

س - بعداً حیران‌تر خواهند شد که از استرلینگ به بیروت بروی ؟

ج - (گفتند) بروید دست نامدانیان فلسطینی ، راجعاً چیزهای فلسطینی ، چیزهای ایرانی و اطلاعاتی از رهبران فلسطینی مانند البریاض و ابوعمار و هانی الحسن و غیره به دست آوری .

س - آیا سؤال شما واک در درجه اول ترانها و شناخت چیزهای ایرانی که در صفوف انقلاب فلسطینی کار می‌کند مورد ؟

ج - آری *

س - آیا در درجه دوم روابط بین مدانیان فلسطینی و چیزهای ایرانی را خواست ؟ *

ج - آری .

س - دیگر چه ؟

* - باز چه می‌بایست به زور از حلقه دم شریف او بردن می‌گفتند که این بسیاری را چگونه و طی چه پرده ای شناخته است . واسه مشخصات کامل آنها چیست ؟ از آنها گذشته تمام این موارد را فرستاده و گزارش بسیار دقیقاً مشخص نموده . علاوه بر سایر مسائل که ضروری بود ما نسبت به کم و کیف آن آگاهی داشتیم .

* - در اینجا نیز باز چه می‌بایست می‌گفتی نسبت اطلاعات و کیفیت آنها را از او خواست .

* - باز چه نباید آنچه را که خردش از جمع بندی مسائل رسیده متفقاً در دستم چه می‌گفتی به عین بایتی خلاف آنچه را استنباط نموده بیان کرده تا با جرات به هم می‌تواند در راه آزادی

* - اینجا هم همین ایراد در بیان می‌شود که در راه آزادی طبقه کارگر

ج - اطلاعاتی در مورد رهبران فلسطینی

س - مثل کی ؟

ج - ابرایار ، ابرعمار ، حانی الحسن

س - دیگر چه چیزی از تو خواست ؟

ج - حرات تحقیق کم چه کسانی به جریدهای ایرانی کمک میدهند .

س - سلاح ، پول و آموزش نظامی ؟ *

ج - هر چیزی .

س - چه سالی به لبنان آمدی ؟

ج - در فروردین ۱۹۷۲

س - در مورد خدمت بااد قراری گذاشتی ؟

ج - آری . از خارجم رأی می‌گفتم .

س - تحت چه محلی تو در اینجا بودی ؟

ج - دانشگاه ، دانشجوی دانشگاه

س - قرار شد در کدام دانشگاه ثبت نام کنی ؟

ج - در دانشگاه امریکائی و اگر قبول نشدم در دانشگاه لبنانی

س - وقتی به بیروت آمدی چقدر پول داد ؟

ج - در حدود یکسال ، دو هزار لیره (لبنانی)

س - از چه طریق پول می‌رفتاد ؟

ج - از طریق بانک .

س - که اسم بانک ؟

ج - بانک لیرال در بیروت

س - آیا اسم حرات می‌رفتاد ؟

* - بازجو به جو چه بنابر خودش کیفیت تک را بیان کند . در اینجا هم متوجه خلطی را در پیش گرفته است .

ج - آری

۱۱ - در این باره به بیروت آمی آیا انات کردی ؟

ج - نزدیکی اتحادیه را شعرا و نویسندگان

۱۲ - پیش چه کسی ؟ [نرانی ؟]

ج - من دعوت الله بدران و همان انوری (۱)

۱۳ - در دانشگاه امروزی ثبت نام کردی ؟

ج - مرا پذیرفتند چون انگلیسی ام ضعیف است.

۱۴ - در چه دانشگاهی ثبت نام کردی ؟

ج - در دانشگاه ایلی ، رشته فیزیک

۱۵ - از چه طریق با طهری تماس داشتی ؟

ج - از طریق بیت ، بیت عادی .

۱۶ - آیا مرگب نامی یا کارتون نامی یا مرگب نامی ؟

ج - نه ، بزبان عبری آری . در اسمی درستم .

۱۷ - حلقه من همیشه به نام درستم ؟

ج - اسمی برای درستم .

۱۸ - آیتای خاصی که استیفا ؟

ج - نه ، اسم خصوصی نامی درستم .

۱۹ - به یکبار مانی اقدام کردی ؟

ج - یک سری اطلاعات باقی ماندند و این در ایالت برایتان فرستادم *

(۱) - انور و انشور بودند .

* این اطلاعات ناقص و دقیق نیست در این زمینه هیچ منبعی نیست

- س - خیرکهای ایرانی که با طبع لطیف و هنری دارند چیستند؟
 ج - از من خواسته شد که با طبع و ادب جوانان لطیفی در این شایان گزیده آثار را در این
 س - لطیف در این است. سری کت و آنا هم می شود. هر دو را یک نامید *
 س - به اختلاف لطیف و راستی؟ [پوشی؟]

۵ - پیوسته (۱۱)

- س - به حقیقت این ایرانی پوشی؟
 ج - متروم نگردد
 س - خیرکهای ایرانی را شناختی؟
 ج - فقط دو نفر را شناسم: x و y (۳) جریک بودند و به عراق رفتند *
 س - آه ام سالار [لطیفی] کاری گفته؟
 ج - ایغ.
 س - آه آه آن اطلاعاتی برای مسیری ترسناک؟
 ج - نه. به معنی زاده دارم.
 س - معنی زاده چه کار است؟
 ج - در سلطنت ایران [در بدست] که میگردد.
 س - سالار آب؟
 ج - نه. هر دو هم سلطنت ایران در بدست است.
 س - چطور ادراک شناختی؟
 ج - وقتی به سلطنت ایران رستم [در بدست] بمن گفت که تو در این بودی و این همی کار
 میکردی.

- (۱) - ادب را چنین در نگارده اند که خصوصیت است. کاری که در این جوانان لطیفی برای در دست
 کرده بود در این جوانان سه خصوصیت خود در دست دارند. به این است.

- (۲) - دستور x و y از رفتن می و حقیقت می است.
 ارشاد استاد سترمان پیکار یکی از این طیفه که با خود می آید *
 * * *

س. - معنی زاده چقدر بتدریج داد ؟

ج. - حدود ۷۰ پیره آزاد گرفتیم .

س. - معنی زاده چه اطلاعاتی از درخواست ؟

ج. - همان اطلاعاتی که طرحی خواسته بود .

س. - از اول بگو !

ج. - مخالفت جبرگرای ایرانی ، اطلاعاتی از انقلاب فلسطین ، از غاصری که علیه شاهکار می نوشت و اطلاعاتی از رهبران فلسطینی

س. - چه اطلاعاتی را طرحی در معنی زاده از البومار و البایادو هانی الحس خواسته ؟

ج. - اطلاعاتی از کارشان ، رفت و آمده هایشان ، کیفیت لباسیشان ، دستر کارشان و زندگی خصوصیشان .

س. - این اطلاعات را برای چه میخواهند ؟

ج. - بنظر این اطلاعات را برای سیاست میخواهند .

س. - در مورد نکته اول یعنی دانشمندان ایرانی و اسامی آنان چه اطلاعاتی را به طرحی دادی ؟

ج. - رضا حسینی ، گزینان (؟) و دانشمندی که علیه شاه مخالفت می کند .

س. - و از جبرگرای ایرانی ؟

ج. - اطلاعاتی را ج. ب. X و X

س. - از کجا آنرا شناختی و چه ارتباطی آنها را با انقلاب فلسطین [درک کردی ؟

ج. از عبه الله بدوان را ج. ب. انقلابیون ایران پرسیدم و او پاسخ گفت .

یا در می هار صحنه قتل !

* - خلاصه : سؤال جواب داده شد و این از نظر ما تمام بود . و از جرم یک قریه در آن گذشت .

* - باز جرمی باقی می ماند که از کجا و چه منبعی چنین اطلاعاتی را جمع کرده است . آیا و انتقامان رضای فلسطینی است X و X را طرحی می گویند .

آرشینو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

س - آ - اردو گاه آموز سن جیکای ایرانی را بنویس ؟

ج - بطور کامل نفیسم و می شنیدم که در راه طرابلس در راه رشید در جنوب لبنان نقلات می بینند .

س - این اطلاعات را از کجا می شنید ؟

ج - از دوستان فلسطینی می پرسیدم .

س - در مورد نکته دوم یعنی ابوعمار و دیگر رهبران

ج - اطلاعات عمومی را جبهه آمار و گروم چون آنها را بطور خاص می شناسم

س - از جبهه ملی ایران چه خبری گزارش کردی ؟

ج - اشیه حسن مسلمی و خضر دکلانتری در عراق اند که فعالیتشان و آمدنشان به بصره از عراق و فعالیتهای جبهه نویم .

س - از آخرین حامیه کسی با تو در ساواک همکاری می کند ؟

ج - نمیدانم . اما یکفرهنگت که داشتیم دارم استی شیخ محمد حیدر فضل الله است .

س - در خانه هست پدری ، از کجا رفتی ؟

ج - هست میفرمادم .

س - به دنا ترفیع میفرستی ، به که ام دفتر میفرستی ؟

ج - دفتر ابوعمار ، دفتر ابو موسی ، دفتر زکریا ، دفتر دنا (۱)

س - اما این دفترها اطلاعاتی به ساواک داده ای ؟

ج - خیر ، ساواک مرا مورد کمر کرده بود که - این دفاتر مردم برای کمک خبرکهای ایرانی را به این دفترها رفت و آمد میکردند شناسم .

س - گناه ، وقت و صورت شبها روز به دنا ترفیع میفرستی برای چه ؟

ج - برای آنکه ای امایی که بجا میفرستادند میگردید شناسم

س - کسی از آنان را شناختی که بدنا رفت و آمد کنند

ج - خیر

س - آ - به هلال احمد فلسطین ، دکتر منعی عرفات ارتباطی داشتی ؟ (۲) *

(۱) - ابو موسی و زکریا در عی است شیخ کا میکرده

(۲) - سؤالاتی که از احمد آزاد میگردید برای آنست که ماه میفرستاد - نوام

* - در آخر مطلب مراجعه کنید

ج - آری از طریق ابوسمیر که در دفتر عرب کار میکند (۳)

س - آری در بارستان قدس [سحق - هلال احمد طیف] عمل جراحی کرده‌ای؟

ج - آری عمل جراحی با صور (۴)

س - آیا کسی از ایرانیان را در بارستان دیده‌ای که مجروح باشد؟

ج - نه

س - حرف دیگری داری بفرمائی؟

ج - من انقلاب طیف را می‌شناسم و می‌دانم که شاه ایران رگبار تو را می‌داند و اینکه سلواک

آدمکش است و مردم را بفرستد و بگوید که این با آن‌ها کاری کردم.

(پایان نوار بازجویی)

X X X X

د. مرت حلیه، یکی از بازجویان او تعدادی سئوالی با و دارد و می‌گوید که به این جواب دهی
سئوالات بعدی است و جوابها به خط طرف راست می‌نویسی شکره است. بازجویی در تاریخ
۷ اردیبهشت ۱۳۷۶ صورت گرفته است.

سئوالات:

۱ - حضور به خدمت سلواک در آیدی، کجا و کی؟

۲ - وسیله ارتباط تو با آنها؟

۳ - نوع تقاباتی که می‌تواند داشته باشد؟

۴ - هر دو خانگی بوده است که داشته باشد؟

۵ - آشنایی که از آن اخبار را می‌شناسد داری؟

۶ - اطلاعات دیگری که در انقلابیون ایرانی داری؟

(۳) - ابوسمیر یک جریب دارد و می‌گوید که ما را در انقلابی شناخت و راسته آورد.

مروی است بهار و راج از شیخ استاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

نشسته خواهند شد. خلیل عیسیٰ مردم را با اطلاعاتی در نقد راسیون می‌رساند. سال
 بعد از من یعنی دو استه که به دین مردم او (طسرحی) من گفت میدانی که چرا کلبای
 ایرانی با ملت‌ها همکار می‌کنند باید بدوی لسان و نگویی که چرا این تعلیمات نظامی
 یعنی در ایران برگردی. لغتم من می‌توانم عرضی لازم داید لغت انحصار و استعدایا
 فلسطینی است تا شود عرضی گیر و در. ما لغتم اگر خبرهای ایرانی بداند که من با شما همکار می
 باشم برام خطرناک خواهد بود گفت باید طوری کنی که کسی ترا نشناسد من به این سوگ
 گزاشتم و یک عرضی از ملت می‌سازم و لغتم که چرا این تعلیمات منم و اگر مردم ایران دانا باشند
 بسیار حریف. عرضی را گزاشتم و به برودت آدم ۷۲،۲،۲

۲- او (طسرحی) من گفت وقتی به برودت رفتی ستوانی برای من نامه بنویس
 اگر خبری به ایران می‌رود باید نگویی "او دوست من است و شخصیات او است و در آن
 تاریخ خواهد بود که ایران و اطلاع بدی که در صورت چهار مکرده و کمی آنه". او من گفت
 که اطلاعات راجع به خبرهای ایرانی را خواهد زد اما برای من است.

۳- او گفت برودت که رفتی به سارت ایران سرود با کلبای ایرانی هم‌نام
 بود. یعنی نویسم سارت نامه بنویس که من نام من و * GERLIA
 (۴) - نام واقعی دختر من که اتریشی است - درست. تو باید می‌ای خانواده ات نامه را
 از طریق من بفرستی به خانواده ات نباید بداند که آنجا هستی. چند ماه دیگر نامه برات
 خواهد فرستاد. اگر برای انجام عملیات یا بدون حدایب به ایران رفتی من بگویی خبره
 تو باید بدوی پیش جن ماسالی من راجع به اطلاعاتی می‌توانم عرضی از برادر خود
 * - از شیوه آدم من دانستی بداند که طرف می‌خواهد اطلاعات بدهد. ما هم
 نتوانستیم اطلاعات بگیریم چون هیچکس که راستی می‌گوید را در حوالی خود طرف از طرف رها
 نرسیده بود

جنبه ملی است و اطلاعات زیادی دارد. از این هواپیمای رآنه با هر سالان طبعی کار
می کند سیاسی.

حسن اسلامی، احمد گلشنی، گلشنی، خورشیدی، کامبیز رستا، طلال ناری،
دکتر صمدی این اشخاص خدمت می شناسد کار می کنند. از این با اطلاع می
که جوهای ایرانی چگونه به صورت می آیند و چگونه می آیند؟ تو به صورت خود از
طبعی ما بداند که من هم رات می رستم در سیدناک. آثار حب داشته باش
تا سال اول خرداد، به ماه خرداد هر روز، دگر.

۴- در تهران کار می کند ملی حضور جراح در بگری مقدم من با این دو که پلیس
حقایق ایران بودند از راه داشتیم. گوری - صفا حائری - علی راد و ادیب
یون ایران مرکز IRAN AIR (۱)

برای آنها هم بود که از جوهای ایرانی اطلاع به دست آورده. آشنایی گفتند که من با ما
جواب است ملی سازمانهای دیگری داشته.

اد (طرحی) گفت مادر هر دو من طبعی مآسی از خورمان داریم که راه کار را بست
تشان خراشه دار. از این گفت که وقتی خواستم بدو که نوشته ها را برابری و به خودی؟
پیرنه سه روز قبل با اطلاع داشتیم.

۵- من به صورت آمد (۷۲/۲/۲) به مقر دانشجویان طبعی رستم.
دانشجویی که عید الله نام داشت به دفتر روابط خارجی رفت و تحقیق تمام این -
خاله با او آمد و گفت که باید از سازمانهای ایرانی معرفی داشته باشی و گفت که
۵ روز دیگر ما جمع کنیم ولی من رستم زنی عید الله من گفت که ابو خاله اینجا است. من
(۱) - صفا حائری عید الله را دید که یون ایران است. عید زاده رسول ساواک معاونت در
بیرد است.

نقد و انتقاد دیگر زبان انگلیسی شلست بسته و تکرار همان حرف است اطلاعات اضافی را در اینجا می‌آوریم:

این پروژیه سرپرست و انجمن زبان ایرانی را طراحی است.

اولین بار که در سفارت در آتریش گسرخ می‌رادی، در اطاق کاغذ لیده‌اند.

میگویند که گاهی در دستار درونی دیده.

گسرخ می‌گفت که احمد کراویس ترست. خانه گسرخ در (FANLMANN PA 3.46)

پدر و جدی و یک نفر دیگر نام رضا در خانه گسرخ می‌روم.

— از نام مبارک ایرانی را اینجا نام مطلب نیا، دکتر بارسا، مجید زرغبش نیز علاوه بر نامهای گذشته آمده است.

— میگویند که ۸۰۰۰ شیلینگ اتریشی معادل ۹۰۰ لیون لبنان در راسته.

— اکثر به حبشه ملی نامیده شده بوده.

— میگویند به اینجا به فتح رستم (School)

— رفت و آمد می‌کنند. من نفتم در صیدا و هنر بدستال لبنان و بوسه حسن ماسانی.

— در منزل تقی حسینی سید را دیده است (نظریه می‌دهد که او نیز قبلاً بوده است) نام عدوان که خدایسته باور داده است غیر از آنکه تاکنون ایشان آورده بودیم و سستی (که گویا کمتر می‌دانند) ایرانی در بدست بوده است.

— T درس حسینی سید (Haupt Post P.O. Box 1939)

میگویند که او (حسینی سید) کارت انفع را نشان دادم. شماره نقی او 31628 (کجا؟) است و دو تا سیلش با و بیل داده است. «پایان پرده»

* - و سائل شخصی ادیان و دیگری متفحص نه است آیا چیزی شگرفی همراه داشته است؟

ارشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

ادگای سبوه بازجویی ازین خبر و خبر فروخته غلط بوده است زیرا باز جید باید در سبوه
 و خبر و خبر با سبم، سیاسی اتحاد کند که همه اطلاعات را بر اینون بگشاید. حال آنکه سیاست
 سبوه اند سیاست مشروطه و تدبیر باشد. سیاست تحبیب و خبر کردن و یا هر چیز دیگری بود.
 عین حال باز جید با سبمی این اصل را از قبل در نظر داشته باشد که سبم اطلاعاتی دارد و نمیخواهد
 این اطلاعات را بدهد و خود باز جید هم از کم و کثیف این اطلاعات بی خبر است. بنابراین
 باز جید باید بپشت سبم از این سبم سوال کند و از جید اسبابی او سوال بیرون بیاورد و باید وقت
 تناقضات هر یک را بیرون بکشد و ... در حالیکه بنظر غیر سبم رضای دلجی با او چنین
 سیاستی را در پیش گرفته باشند. زیرا بعضی از جید را میانی خرافاتی میگویند که میگوید
 باز جیدی را سبیل کند.

پاورقی صفحه ۲۷ :

باز جید وقتی در دود سبم در رفتن به حلال امر و صحت با دگر بختی خرافاتی در کار
 او شناسایی دارد نباید مستقاهای دو مورد را بیان کند. بلکه با سبمی در یک خبر تکرار کند و باید
 بعد از آنکه در مورد سایر مطالبها میخورد توضیح بدهد. و اگر او را میخورد میگوید که برای باز جید شناخته
 شده است حرمی نزد سبمی معلوم میشود در حق سبم در این حالت بایستی با سبمی مذاکره کرد
 این موارد را بگوید و باید بگوید که در همه مطالبها سبمی با سبمی است بنابراین انکار کردن
 ناپدید می باشد. و اگر در دفعه دوم مورد دوم که برای باز جید شناخته شده است بگوید
 او بیان سبمی که معلوم میشود شناخته شده است و اگر بیان سبمی یا باید برای باز
 دوم شناخته شده است یا باز دارد دگر و در دوم را خبر میگوید و سبوه دیگری در باره
 جیدی در اقتصاد کرد. در حال در چنین صورتی چه با اطلاعاتی که برای سبمی شناخته شده است
 سبم بحال آنکه ما از آنها آگاهیم از سبمی را در خواهد کرد.

ناتجای رفقای فلسفی نه تنها جوابی اورا میدی برسی قرار نمیدهند و از آن سلال بیرون میکنند
بلکه دهم و او ای برارد در دامن جواب از طرف مهم، اورا ای می کنند.

تبطرین سه

ثالثاً، رفقای مادر این جریان بر خود و علی سلاکانه ای نموده اند و بر رفقای فلسفی
تقصیر و بازجهای دینی نه از این خود رافقی در چند مرحله بوسیله رفقای سابق شده اند. باین
این رفقای ایی که در این سده پیشقدم شده و حتی در صورت بی تفاوتی رفقای فلسفی در
آنها مصراً میفرایستند که این کار اقدام نماند. زیرا اکنون سائل وجود دارد که در نظر ما
ناشناخته مانده اند. چنان سائل که در این وقت حاضر شده است.



مستحبات یک منزل ساداتی

نام: منصور

نام خانوادگی: شهابی مزدبختاری

نام بیمار (سوانک در لغت از به اوداره): آتای سیرانی (دقیق بیستم) طبابت او با ما

زاده و آدرسش بصورت زیر می باشد:

دوبی، دره - صندوق پستی ۱۳۶۷، صندوق الرابع، آتای هندی سرور

مرد، خرمائی، غالباً از وسط جدا می کند (مترق از سنگینه)

قد: بلند، سن: حدود ۵۰ تا ۵۵ سال، (حدود ۴ سالگی ازدواج کرده) غالباً کت
دستوار و خواه ای می پوشد، حتی در تابستان جورستان کت می پوشد.

ستوله هفتگی (در ایفنت سفید) از مناطق نفی خورستان است. تحفیات ابتدائی و
احتمالاً متوسطه. رادر هفتگی گذارنده و ظاهراً هندی کشاورزی باشد (مطابق بیستم مگر
ی کم یک دوره فوق تسلیم در کشاورزی دیده).

در تهران کار می کرد (احتمالاً در اداره کشاورزی)، در تهران صاحب یک باب منزل و طبقه
است. (خیابان کارون کوچه چهارم آبان)، ازدواج کرده، و دیگری حدود ۵
سال دارد نام مرتضی، اسم ریش عصمت است و دختر خیمه صاحب چاپخانه
خیمه آبادانی است.

قبول هوا هوس در یک بیمارستان (که احتمالاً از طرف دولت ایران ساخته شده)
در دومی کار می کند. توجه مشخصه ندارد و بی برای توزیع است ظاهراً خیلی دراز
است مخصوصاً با همه ما خیلی میخوابد ولی آدمی بیش از حد به رفته
و سردی است. دست خط خوبی دارد.

ارشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

ظاهر آن خلاف رژیم بوده و احکام آن در حزب توده مخالفت میکرده (در این موارد مطبوعات
 نیتیم) هجده سال پیش (احکام سال ۴۵ - ۴۶ دقیق میسم) وای استغاثات مجلس که با
 بود (ظاهر آن طرف خودش) ولی موفق نشد و شایع بود بابت مخالفتش با رژیم.

در خردستان با حمید و مجید بختیاری رابطه داشت و قرار بود با هم یک شرکت با هم تریه
 در اهواز بازند که انعام است. حدود سالهای ۵۰ - ۵۱ را که این استغاثات داده و در اهواز
 باقرض و کلاه برداری یک شرکت ساخته می بنام شرکت دتران ساخت که با تاجر شرکت
 نفت بود. در اهواز زمین کاری یک کارساختان حمام در مسجد سلیمان کارساختان یک
 باشگاه را داشت (موفق که از طرف ساواک به خارج فرستاده شد) بعد از رفتن شرکتش
 هم در شرکت کرد و در این مورد ساواک هم چیزی را نداد.

دیگری (ده کده ای) منگل و نفت بعد از یک طرف و اهواز و مسجد سلیمان از طرف دیگر
 اقدام به احداث چاه عمیق نمود و تعدادی بست که داشت (که فرستاده شد) و به چهار حال بختیاری
 فرستاده شد و در اهواز رفت و آمد داشت، حاضر در این در آنست که به هر چه میخواستند و
 در خردستان در منگل بودند. (پدرش کیسل پیش مرد) اسم پدرش علی بود او هم به کار
 شرکت نفت بود البته خیلی چیزها در سال ۴۹ (احکام آن در اهواز) با سیدهای توسط ساواک
 به اهواز فرستاده شد (نگو میگویم از محمداف عباس شهراری بود) رفتن ظاهر آن از طریق
 افغانستان انجام می گیرد، با بیورت او اینخوان بازگان بود یکی با بیورتش تیاض بازگان
 دارد و باریش نترانیده (حدود ۴ - ۵ روزه) است. (نگو میگویم حضرتش به تهران
 بودند) اسلحه های که توسط بختیار با شریکهای آن فرستاده میشد توسط او و همراهانش به
 ایران آورده میشد.

در اقلیت آنها به نایاب سواران ایرانی بود.

در ایران به علت ورشکست شدن شرکتش به تعداد زیادی بار آمو در زیر سواری شرکتش را از دوستانش گرفته بود و تهیه داده بود که اگر شرکت ورشکست گردد پول آنها را بپردازد و بی ار آنجا شکی ظاهراً برای بوی سی را در آن ندانست و بگویم به کس را اطمینان ندارد.



این نزد با مشخصات زیر سوارانگی است.

اسم و نامیل: رضایر مینگار، مری ماضی جوگندی، عینک تیره دوفیضی (چشم های زیر دلیت آن) سیل نسبتاً کلفت (که ممکن است تراشیده باشد) صورت مستطیان
قد حدود ۱۷۲-۱۷۴ دست اندام دکی قرصی - بیروت بوده و متولد ایران کار سواران
برده که بورس زبان اصلی گرفته که علم زبان شود. رسته اش:

linguistique, education. سن ۲۶-۳۰ ساله. خود را سرتی جابیزند
مقداری عربی بلد است.



گزارشی یک مسئله انسانی

با اتفاق رفیق A در یک ایستگاه راه‌آورد تلفن خانه مخصوص ششم تا بار مقدار کشور دیگری
 تماس بگیریم بعد از چند دقیقه متوجه شدیم که از یک جمع سه نفری در دفتر پیش از آنکه به بار
 خانه خود با آنها رسیده اند. پس از مدتی وارد خانه ششم تقریباً مدت ده دقیقه‌ای که در آن
 کابین بودیم، دو نفر دیگر یک کلمه از ما چشم‌پوشیداشتند. اتفاقاً تلفظی ما را متذکره
 و گفته بایستی بی‌صبر کنید اما من وصل شوم. (در همین این ده دقیقه که در کابین بودیم
 موفق به صحبت کردن نشدیم) و وقتی از کابین خارج شدیم گیر است کنار A با در تلفن خانه
 نشستم. این علت که ما را در کابین حرکت مشکوک از ما سر زده و یا ناخودآگاه کاری کردیم
 که آنها با شکوک شدند، پس از یک ربع در کابین نشستم تا به مسئله روشن شود.
 بعد از آنکه در کنارشان نشستم برای آنکه آنها به نقطه‌ای نرسند من در وقت بام شروع به صحبت
 کردم و در یک بعد از چند کلمه بی‌ار آنها دستی نشانم زد و گفت آنا تا می‌تید.
 (اما با نام فاطمی اسم نامید) من ابتدا فکر کردم پس آنها منتظر وصل شدن من مشخصات
 بعضی از اعضا، حاضران و فاطم را بودند و اضافه کردند تا فاطما اصحاب این تو هر دو ای هستی
 قیام تو را مومنی زنده من گفتم که تا بعد از موارد بسیار از ای اتفاق افتاد که افراد
 گوناگونی که من نمی‌شناختم من گفته آقا تو شبیه به جوانی هستی و آنا تا من شبیه
 به جوانی من هستم و از من موارد و این بدان علت است که توانم من یک قیام عمومی
 است و هیچ‌کس علامت مشخصه‌ای ندارد. با تکرار این حرف روی این مطلب بازاری
 کردم با اقبال طرف می‌گفته که شک ندارد من چشم و من از آن حرف‌های
 مثل چنینی را شنیده آنها از آنکه برادری کشور می‌روند
 بعد از تعجب بود که در وقت سر هم سوال می‌گرفتند. بعد که این یک کلمه سوال کردن حاصل شدیم

اوس احوال میگرد (مجموعاً سؤال کن و نجیب آساند کمال میگردی نیز داشت) . ضعیف بود و قصه‌های
 می‌کردند گفته آسان از ... ^{گذشته} (اسم ستره محل سکونت برای من) من گفتیم ... بعد گفته
 متاخر در آنجا زندگی می‌کردیم گفتیم گاهی آنجا آمده‌ایم گفته‌اند که شما در آنجا زندگی میکردید پس چرا
 می‌گورید گاهی آن شهر در اینجا من نمی‌دانم که استیفاء کردم ولی بلافاصله گفتیم سبط اسکندری
 ما هم از یکی از محلات همان شهر و بسیار من شایسته دارم و شایسته او را این موصی ترست
 گفت اسم دست ساقیت با گفتیم ... بهر حال من اسکندری می‌توانم قصه بگویم و روی‌ها
 منم که استیفا می‌کنم با یکدیگر می‌گویم در آنجا حاضر می‌شود از آن گفته‌ام می‌دانم در
 بیرون رفیق A گفت آنها چیزی برایشان سبب می‌باشد از آنجا می‌روند و می‌نمایند از آنجا می‌روند
 محلی مناسب دوباره به گفتن خانه رفته‌ام می‌دانم از آنجا می‌روند و می‌نمایند از آنجا می‌روند
 با کسی در این راه صحبت می‌کند . من نیز این پیشه‌ها در صفت خواسته‌ام که من بعضی اسکندری
 از آنجا می‌روند و در آنجا می‌روند و در آنجا می‌روند و در آنجا می‌روند و در آنجا می‌روند
 می‌گویند ما تقریباً معلوم شدیم که بر روی سیاست در زمین گم می‌شود و در آنجا می‌روند
 آن در آنجا می‌روند و در آنجا می‌روند و در آنجا می‌روند و در آنجا می‌روند و در آنجا می‌روند
 ۱- عدم آساند از آنجا می‌روند و در آنجا می‌روند و در آنجا می‌روند و در آنجا می‌روند
 (آن گفته‌ام در نزد یک محل سکونت از آنجا می‌روند و در آنجا می‌روند و در آنجا می‌روند و در آنجا می‌روند)

- ۲- حتی المقدور استیفاء از نفس در سلطانی که امان مراجع است و آن ساعات در
 دیگر ساعات دورتر باشد . مثل صبح و روز . (در حالت سلامت ایا صبح مراجع می‌دانیم) .
- ۳- از نفس‌های رد در مثل نفس مجزول - ... در آنجا می‌روند و در آنجا می‌روند و در آنجا می‌روند
 شود مگر در مواقع بسیار صوری آنهم با رعایت شرایط مذکور در فوق مثلاً اگر مادر آنجا
 نفس مجزول و چهار استیفاء می‌باشد آن مجزول می‌شود .

۴ - نگارهای ثابتی که مورد استفاده مافوق میگیرند بسیار مدتی باید عوض شوند مثل خورشیدی ثابت پستیخا - نقش خانه و ... اگر ما این مسئله را متوجه بشویم و استفاده از همان نقش خانه را نیز بخواهیم میبایم (چنانکه آثار دوره اسلامی دارد که اراکه میبایم) احتیالی زیادهای داشته که این روایت ما نزد سوادک در حدود و آنرا از این روایت و ضروری میباید که حد اقل برای مدتی می توانیم انقضی که بطور کلی که خود می

۵ - هویتاری مدادم . اگر نگارهای این دو نفر تقریباً احاطب میگرد قصه بیچ

۶ - اگر با اشخاصی که خود میگردیم که سادای شایسته به پیروجه باید شناخته آنها را باید کنیم . بلکه باید آنرا در کتب خود درباری که طرف خود حقیقتاً احاطب میگرد و مقهور یکی خدا که در این مورد متین حقیقت که اراکه میبایم سجدانه نسبت به این احاطب خود میگرد گفته خود را معرفی کنیم .

X X X X X X X X X

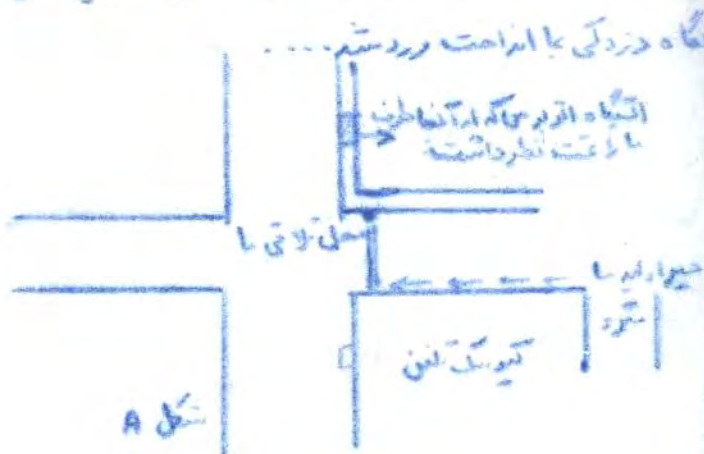
فرار از یک تعقیب

دو نفر از رفقایان که در تاس خالی با هم قرار دارند در کشور X میسر میگرد . تعقیب که خود را میباید در دست آنها یکی اراکه در خالی تعقیب را برین توجه تاس یکی در آنها با سازمان میگرد . ضمناً این احتمال نیز در جانب ما میگرد که تاس آنها با سازمان نزد سوادک نیز توجه باشد . آری باید در این باره که به وسیله این به ها سوادک براحتی میتواند تمام حرکات آنها را نیز نظر بگیرد . جدیداً آخر همان مواردی که از تعقیب دیدمانه . مثلاً بشمار مشاهده میگرد دو نفر را در این آرا را در دست میگرد .

در ادوار و سایر مکانی میباید مکانی که میگرد و تو تو او از لای طیف میگرد و گویند و درین روش

گفته شد آیا مورد شکوک می‌باشد در طول راه از کتور $y = x$ و یا در کتور y هنگام حرکت
 دیده می‌آید؟ گفت نه هیچ مورد شکوک ندیدیم. گفته شد قبل از آمدن سرور خود را یک
 کتوری؟ گفت در ایستگاه ستوری ۱۰۰۰۰ متری قسمتی (شکل ۸) و قبل از آمدن سرور چند
 بار پشت سر خود را نگاه کردم و خود را یک عزم (ترجیه نمود) استثنائی که امروز
 در آن روز از سینه تقصیه دارم. بهر حال در آن ایستگاه سرور بعد از آنی تقصیه در
 متر و خارج شدیم. در حیاتی می‌شیم. بعد از طی مسافتی حدود ۳۰ متر یک چهار
 راه رسیدیم. در حیاتی سمت چپ نزدیک چهار راه یک کیوسک تلفن وجود داشت
 و در آن کیوسک ششیم با ششیم به راه تلفن پشت سر خود را یک گیم. بعد از دو سه دقیقه
 حیاتی قد بلند - تپ و تپوئی - رنگ پوست سبز - شرفی الباسی می‌گیم
 تیره رنگ سنال گردن از همان حیاتی به چهار راه رسید و سمت راست چهار راه
 یعنی درست در امتداد ما در ایستگاه اتوبوس شد (شکل ۸) او وقتی وارد ایستگاه شد
 از دور و دور ما رفت نظر داشت. بعد از که حرکت حرکتی ساخت و سوار ناگهانی ما
 در این موقعیت رفتی ششیم به خود فکر می‌توانست او را به بیند یا گفتیم ششیم
 اندکی بگریخته برگردی پشت سورت را نگاه کنی تحت حملی بگیرد و هنوز در آن ایستگاه
 مذکور در ایستگاه اتوبوس ایستاده است نگاه کن و بین که او را در طول راه از کتور
 به لا و یا در کتور لا در جامای دیگری دیده‌ای؟ رفتی با خیلی رفت و گفت که او را
 در حیاتی ندیده‌ام است ولی اضافه کرد که طرف بدجوری سارا تحت نظر دارد و چون که حدود
 ۷ دقیقه ما در کیوسک توقف کردیم او نیز حدود ۵ دقیقه در ایستگاه اتوبوس سطر ماند
 از آن کیوسک تلفن خارج شدیم و سمت چهار راه راه آمدیم در این موقع حرکتی از طرف
 سورت که برای ما تقریباً مسلم شده بود که تحت تقصیه هستیم. وقتی ما در کیوسک خارج
 شدیم و به نزدیک چهار راه رسیدیم او نیز همان آنکه ما می‌خواستیم همان سیر را می‌گویی
 از ایستگاه اتوبوس خارج شد و سمت ما به سمت او آمد و ما را این ایستگاه موقعیتی دیدیم
 ارشید اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

که هم می توانیم همان راه را برگردیم و هم می توانیم این خیابان را قطع کنیم و مسیر خود را
افتاده همان خیابان شده او را آنجا ما رانندگی نظر داشتیم حرکت کنیم. لذا ما نیز همان
را قطع کردیم و در بخش خیابان سیم به سیم با او برخورد کردیم سوخت رفته و در مقابل
هم نگاه زدیم که با این حرکت در دست...



در آنجا ما باید با تمام نیروهای حلقه تماس داشته باشیم و انرژی و توان آنها
را به صورت جبهه در آوریم، عرض در آن نیست. اما هواره ما در این محدوده خود
ما هم به هم می رسد کار داریم. اگر از یک طرف ما می آید و به هر گونه نیروی حلقه و ادراک
خلیج کار داریم. از طرف دیگر ما به علی تاجین با انگیزه نیروها، با انرژی بسیار بیشتر
ما را در عرض حلقه و تقویت قرار می دهد. این عمل را می توان در ده ها اول به
گزارش ملحق و پس از آن آگاهی و تجربه این نیروها می تواند بود.
اما در هر حال این تمام ما می شود. ما می توانیم با این تمام آگاهی که

پایه ای از صفت کل:

* - نه ا حلقه شد سفتی و سفتی در آنجا سوز و خمار تقسیم بود. سوز و خمار
در آنجا سوز و خمار تقسیم بود.

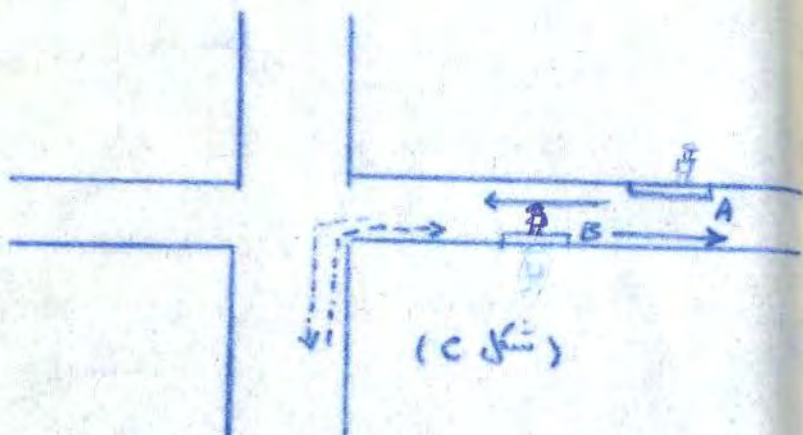
میزبانه سادانه را از این گاهالی می آید راحت ؟ ما میتوانیم با وجود خوشی و با استیلا
 نیزها این تصور را حل کنیم. ضربات باغهای اخیر ما استیلا بود که بر وجود خوشی و استیلا
 در در سال پیش و استیلا در کمال پیش با امر در خرق زیادی دارد. ضرباتی که امثال
 چنین پیشانی در عقل ستمستان میدهد که اگر ما نتوانیم هر روز خوشی و استیلا را
 ارتقا دهیم در نا استیلا یعنی در کم اعتدال و در نتیجه قادر به حفظ خود و نتیجتاً
 قادر به ادامه کاری نخواهیم بود. استیلا رفقای خارج نیز به طور جدی بنا بر این اصرار
 برای پایه بودن خوشی خود در درون کار و در سره عدالت جبرانه اخباری می دارد
 رکاش رفته ای در دست است که کشف میدهد در کم یک لحظه از ترس و سوج ساربا.
 باای طبع از گاهالی خارج عامل میباشد. باید با جمع بندی از ضربات و استیلا خود
 عدالت زمینید بتوانیم ضربات افشایی خود را ارتقا دهیم. عدلی ضربات و استیلا را بگیریم
 و هر روز تا گندای خود بر ترقی استیلاست تا ملایم کنیم. بنا بر این بنا بهی که این و خود
 استیلا گرفتن در بر می آوریم

۱- ایستی در وجود این بود که در درون شوهای جدید تعقیب و مراقبت از
 طرف سلوک تر ردا و در نظر کلی در این زمینه نظر ما استیلا و در این حال ایستی
 در نظر داشت که آنجا است که گزاف است آمدن و استیلا در این حد است که با جرات این
 رصدها نیستند. پس ما باید در وجود با آنها از قبل این نتیجه رسمیم که با احراز
 آن در این در این هستیم و تعلیمات خود را در وجود آنها آلوده بودن آنها تا
 دهیم و به هر چه در حرفشان و از برای آنکه ما خود را چنگ میزنیم و سره مشکلی برای
 را به نرم یک است و ... استیلا داریم. مثلاً متصور این نیست که آنها هم این که
 ضربات آن در استیلا است یا خودشان متعقیب هستند ولی با دروغ میگویند مثلاً متصور

نقشه جدید استی

بارشقی در منطقه ای قرار داشتیم که جیل فعلی قرار دارد با اسم منطقه خیابان نیک‌النعم
 که آنرا مشروط تعیین نمودیم. بعد از مدتی در این خیابان به آن خیابان و از این کوچه به آن
 کوچه که بعضی مواقع با دوربین توانم بود به سر چهارراهی رسیدیم. وارد کوچه‌ای شدم
 تا به رفیق دیگری که قرار تفرقی داشتیم صحبت نمایم از تفرق خارج شدم و بعد از آن همان
 قرار مشروط عرض شرف و آمدن نامم. تا آن در استیگاه اتوبوس چهارراهی را به دست می‌بخش
 دیدیم که شایسته زیاده به کمی از استیهای مساواتی ام داشت. از استیهای کلاسیک
 صدیقی استیهای قدیمی شوسط لا محرابام، کت پرست سره و پانتهونی خانه و دیگر
 کلاه قلاب را به سر داشت (البته برف بسته بود بی یوسیباید) بعد از آن سانی شست
 خیلی خوشم در به هم طرف خیلی در سر ما را احاطه می‌کرد. از آنجا دور شدم و به
 حوالی منطقه قرار رفیق رسیدیم تا شاید بتوانم او را به بیم مدت حدود ۵ دقیقه
 در حال حبس در آنجا بودم. باستانی و تانق اول دیگر در نظر آن عوم مشکوک
 بودم در این موقع در یک خیابان اصلی در تقاطع چهارراهی وارد کوچه ای شدم
 جیل کوچه عومی بود و بعد از طی مسافتی حدود ۵ متر بعد از رفیق و پس از
 گذشتن از همان چهارراه وارد خیابان اصلی گردیدیم. در فاصله تقریباً ۱۰ متری
 خیابان اصلی با مال قعب شاهد کردم همان فرد اکنون در اینجا و از هم در
 استیگاه اتوبوس منتظر است. آنچه که باعث شگفتی میشد این بود که او ابتدا
 در جهت سیر A است B منتظر اتوبوس بوده ولی اکنون که استیگاه پیشتر

در جهت مسیر $A \rightarrow B$ متغیر القوی می‌باشد. (شکل c)



در اینجا بنظر می‌رسد اگر از دستگاه A تعقیب را ادامه داده تا به سرچهار راه رسیدیم و وقتی شاهد کردیم به حرکت خود در کجای راه نماندیم برای اینکه در عرض دیدن واقع نشود وارد دستگاه القوی می‌گردیم. وقتی دوباره وارد آنها دیدیم بعد از آنکه حدود کل مترت محل قطع کردن خیابان و شکست دستگاه القوی را نگاه کردیم و می‌آوردیم آنها ندیدیم. با توجه به اینکه هیچ القوی نمی‌گذشت بود و ...

نتیجه: از آنجا که قرار می‌گیرد در فضا شرط بود و یکی می‌بایستی برای دیدن رستی تا آن حد اتمام بخرج می‌آید و باید بین از این کجای آن کجای و نگاه کرد تا به وضوح شکلی ایجاد می‌شود. در واقع من در اینجا یک برخورد عاطفی با مسئله انجامی قرار کردم. یعنی برای اینکه کوششی کنم رستنی ۲ دقیقه ای در برب سفر می‌شود وضع شکلی برای خود بوجود آوردم که امکان صریح را فراهم می‌شود. البته در دهه اول آن خود در شکلی دیگر غرض را انتقال نمی‌نمود باز این حالت بود که یک امر غرضی یعنی سفر مانند رستنی در سرباز ۳ را خود قبول می‌کرد و ...

